

The role of the media in the development of Solidarity rights in the face of Islamophobia

Mehdi Shabannia Mansour (Ph.D.)¹

 0000-0000-0000-0000

Abstract

A form of generational division of human rights consists of three generations. The first generation is negative rights, the second generation is positive rights, and the third generation is human rights (rights of solidarity), which some call collective rights. Of course, some people believe that the collective cannot be the owner of rights. With the criticisms that have come from the third generation, some people do not consider it a law, but a set of morals or universal values, and others consider it necessary and necessary due to the shortcomings of the first and second generations. Analyzing and analyzing the role of the media in highlighting divergent interactions as well as historical tensions between the two civilizations of the West and Islam, the violent treatment of Muslim beliefs, values, rituals and rulings, the attribution of terrorist acts by some extremist groups that are known to be religious. Islam, encouraging non-Islamic governments to adopt harsh and unjust policies against Islamic groups and societies, as well as creating fear and hatred of anything that has an Islamic color, has practically weakened the special rights of solidarity. The method of this research has been used in the collection of information, from the library and documentary method, and in the analysis of the themes used, the descriptive, explanatory and interpretive method has been used.

Keywords: Solidarity Rights, Islamophobia, Media.

1- Assistant Professor Azad University - Azad University Central Tehran Branch
mehdi.shabannia@gmail.com

نقش رسانه‌ها در توسعه حقوق همبستگی در مواجهه با اسلام‌هراسی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

مهدی شهبان‌نیا منصور^۱

چکیده

شکلی از تقسیم‌بندی نسل‌های حقوق بشر مشتمل بر سه نسل می‌باشد. نسل نخست یعنی حقوق منفی، نسل دوم یا همان حقوق مثبت و نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) می‌باشد که برخی آن را حقوق متعلق به جمع می‌نامند؛ البته عده‌ای معتقدند که جمع نمی‌تواند صاحب حق و حقوق گردد. با نقدهای که از نسل سوم شده است، بعضی آن را حقوق نمی‌دانند بلکه مجموعه‌ای می‌پندارند از اخلاقیات یا همان ارزش‌های جهانی و برخی دیگر آن را به دلیل نارسایی‌های موجود در نسل‌های اول و دوم، لازم و ضروری می‌دانند. واکاوی و تحلیل نقش رسانه‌ها در برجسته کردن تعاملات واکرا و نیز تنش‌های تاریخی میان دو حوزه تمدنی غرب و اسلام، برخورد قهرآمیز با باورها، ارزش‌ها، شعائر و احکام مسلمانان، انتساب افعال تروریستی برخی گروه‌های افراطی به دین مبین اسلام، ترغیب دولت‌های غیراسلامی به اتخاذ سیاست‌های خشن و غیرعادلانه علیه گروه‌ها و جوامع اسلامی و نیز ایجاد هراس و نفرت از هر چه رنگ و بوی اسلامی دارد، عملاً موجب تضعیف کارویژه حقوق همبستگی گردیده است. روش این پژوهش در گردآوری اطلاعات، از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و در تحلیل مضامین مورد استفاده، از روش توصیفی، تبیینی و تفسیری استفاده شده است.

واژگان کلیدی

حقوق همبستگی، اسلام‌هراسی، رسانه.

۱- استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران

Mehdi.shabannia@gmail.com

مقدمه

اخیراً اسلام‌هراسی و نیز اسلام‌ستیزی به‌عنوان یکی از مباحث چالشی بزرگ در باب حقوق بشر در مطرح شده است. این موضوع، تأثیرات شگرفی بر افراز حقوق و تحریم‌های ناعادلانه علیه مسلمین و جوامع آنان گذارده و به خدشه‌دار شدن بنیادین حقوق بشر منجر شده است. اسلام‌هراسی اصطلاحاً، ایجاد هراس، ترس و نفرت از پیش برنامه‌ریزی شده از دین مبین اسلام و مظاهر آن و در نتیجه رواسازی گونه‌های متعدد خشونت، تبعیض و اعمال محرومیت‌های متعدد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ارتباطی علیه مسلمین، سازمان‌های مرتبط است. رسانه‌های جمعی خصوصاً مطبوعات، رادیو، شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌های سینمایی همواره از ابزارهای مهم و بی‌بدیل برای پیشبرد این سیاست‌های سخیف استعماری، ضدبشری و نژادپرستانه بوده است (عیسی‌زاده و شرف‌الدین، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۷). آنچه این رسانه‌ها را تا این حد پرقدرت و مؤثر ساخته، توانایی آن‌ها در بازنمایی دنیا و واقعیت‌های آن به شیوه مهندسی‌شده و دلخواه می‌باشد. در مرحله اول، این موضوع اهمیت دارد که یک سوژه، مورد چشم‌پوشی و یا توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، همه چیز به نحوه و شکل بازنمایی موضوعات در رسانه‌ها وابسته است. از آنجایی که درباره وقایع و رویدادهای جهان، تقاسیر گوناگون و متفاوت و حتی در بعضی موارد، متضاد است، این مسئله تعیین‌کننده است که یک موضوع از کدامین دیدگاه و منظر و با چه شیوه‌ای در رسانه‌ها به نمایش درمی‌آید. به این ترتیب، رسانه‌ها به جهت بازنمایی، علاوه بر ایجاد چهارچوب به آگاهی مردمان، چگونگی روند امور را نیز القاء می‌نمایند. از دیدگاه داگلاس کلنر^۲، رسانه‌ها محتوایی را تولید می‌کنند که هویت انسانی، برداشت‌های مردم از خویش، تصور انسان‌ها از مرد بودن یا زن بودن، درک آنان از طبقه، قومیت، نژاد، ملیت و درنهایت «ما و آن‌ها» و «خودی و غریبه» را می‌سازد. تصاویر رسانه‌ای به شکل گرفتن دید همگانی از جهان، هنجارها و ارزش‌های پایدار و ماندگار آن کمک می‌کنند؛ بنابراین، آنچه را خوب یا بد، مثبت یا منفی، و خیر یا شر می‌شماریم، به‌نوعی تحت نفوذ رسانه‌ها تعیین می‌گردد (جعفری‌نژاد و قائدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۱).

2. Douglas Kellner

برخی از زمینه‌های گسترش اسلام‌هراسی عبارت‌اند از: ناسازگاری‌های تاریخی میان دولت‌های غربی و اسلامی، تناقضات موجود در ارزش‌های اسلامی و اروپایی، ناآگاهی غرب از ماهیت اسلام حقیقی، ظهور بنیادگرایی اسلامی و انجام اقدام‌های خشن از سوی بنیادگرایان، فضا سازی جهت دار منفی و شکل‌دهی افکار عمومی توسط رسانه‌های غربی. در این شرایط و با توجه آنچه گفته شد، توسعه حقوق همبستگی به‌عنوان یک اصل حیاتی و بنیادین در مواجهه با این چالش‌ها، ارزشمندتر از هر دوره دیگری به‌نظر می‌آید. کارل واساک^۳ که نظریه نسل سوم حقوق بشر را مطرح نمود، در پی توجیه سه نسل حقوق بشر با استفاده از اصول انقلاب کبیر فرانسه یعنی آزادی، برابری و برادری بوده است. وی معتقد است نسل اول، یعنی حقوق سیاسی و مدنی، مبتنی بر اصل آزادی است؛ نسل دوم، یا همان حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر اصل برابری بوده و نسل سوم از آن به حقوق همبستگی یاد می‌شود، بر اصل برادری استوار است. او از نسل اول به‌عنوان حقوق منفی (حقوق سلبی) یاد می‌کند؛ این یعنی دولت‌ها هیچ تعهد ایجابی در باب تحقق این حقوق ندارند. نسل دوم یا همان حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، حقوق مثبت (حقوق ایجابی) هستند و دولت‌ها و مقامات آن ملزم به انجام تعهداتی و تلاش برای تحقق آن می‌باشند. با این‌وصف، هر چند تفاوت ذکر شده، بین این دو بخش از حقوق و دسته‌بندی آن‌ها می‌تواند از لحاظ نظری جالب به‌نظر برسد؛ اما عملاً امکان دارد موجب حمایت کمتر از حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی شود و نتیجه معکوس بدهد. افزون‌براین، بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان به درستی تأکید می‌کنند که تفاوت‌های فی‌مابین حقوق سیاسی و مدنی از یک‌سوی و حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، انتزاعی، نظری و تسهیل بیش‌ازحد متعارف این مفاهیم است. ال‌نهایه، «واساک» اظهار می‌دارد که نسل سوم حقوق بشر مبتنی بر برادری یا همبستگی است (Craven, 1995, p.27). این حقوق جمعی، در برابر حقوق نسل اول و دوم- که از نقطه‌نظر ماهیتی حقوق فردی محسوب می‌شدند- قرار می‌گیرد. از نظر او، این حقوق پاسخی معقول به پدیده همبستگی متقابل جهانی است. این مقاله با هدف تحلیل نقش بسیار مهم و تأثیرگذار رسانه‌ها در توسعه حقوق

3. Karel Vasak

همبستگی در مواجهه با اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی ارائه شده است. در آغاز، تعریف جامعی از اسلام‌هراسی و سپس نقش اسلام‌هراسی منجر به اسلام‌ستیزی در نقض حقوق بشر و تأثیرات آن بر جوامع مسلمان برجسته می‌شود. سپس، اهمیت حقوق همبستگی به عنوان یک اصل اصولی در حقوق بشر با تأکید بر ویژگی‌ها و تعهدات آن بررسی می‌شود، و در آخر نقش رسانه‌ها در این باره تحلیل و بررسی می‌شود.

۱- تبیین اسلام‌هراسی رسانه‌ای

اسلام‌هراسی^۴، از اصطلاحات جدیدی است که دهه ۱۹۸۰ میلادی به وجود آمد و با اتفاقات موسوم به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، جلوه یافت و پررنگ‌تر شد (مرشدی‌زاده و غفاری هشتجین، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۵) در این دوره، از اسلام تحت عنوان امپراتوری شیطانی یاد کردند و آن را خطری بزرگ علیه صلح و امنیت جامعه جهانی به‌شمار آوردند و این سخن نادرست را بارها و بارها تکرار نمودند تا به هدف خود نزدیک شوند.

اسلام‌هراسی را نفرت شدید و غیرمنطقی و واهمه از اسلام و مسلمانان تعریف نمودند. فی‌الواقع اسلام‌هراسی، ترس و نفرتی از مسلمانان است که موجب طرد آن‌ها از زندگی عادی و معمول اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشورهای غیراسلامی و درنهایت تبعیض علیه آنان می‌شود. محققان سیاسی مضمون اسلام‌هراسی را آن پنداشته‌اند که اسلام و خصوصاً مسلمانان مقیم و ساکن در کشورهای غربی، منشأ خطر و تهدید برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی تلقی شوند (سیامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰، ص. ۹۹). از شاخص‌ها دیگر که در شناخت اسلام‌هراسی گفته می‌شود مواردی چون تلقی نابجای خشونت‌ورزی، عقب‌ماندگی و تروریسم به عنوان خصوصیت مسلمانان است (عیسی‌زاده و شرف‌الدین، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۰).

در حال حاضر بسیاری پدیده اسلام‌هراسی را از راهبردی‌ترین دغدغه‌های جهان غرب و مسیحیت در مواجهه با جهان اسلام می‌دانند (ناصری طاهری، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۳). به نظر می‌رسد بروز این پدیده نامبارک، ریشه در اختلافات و برخوردهای تاریخی جهان اسلام و غرب در گذشته‌های دور و نزدیک دارد (قنبرلو، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۹). بعضی از دلایل مهم اهمیت تحلیل

4. Islamophobia

این پدیده به جهت موفقیت نسبی جهان غرب در رواج پروژه اسلام‌هراسی و بالتبع، تزاید و فزونی روند اسلام‌ستیزی و ضخیم‌تر شدن دیوار بی‌اعتمادی میان مسلمانان‌ها و غربی‌ها می‌باشد (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۹۵).

به مرور زمان درک مفاهیم و قوانین حقوق بشر به‌طور چشمگیری توسعه یافته و مفاهیم حقوق بشر واقعیت‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و مذهبی بسیاری از ملل متمدن را شکل داده است. ملت‌های پیشرفته به انسان‌ها و اومانیزم اهمیت زیادی داده و متأسفانه در مواردی تروریسم، قتل ناموسی و انکار حقوق بشر را به اسلام و اسلامیت نسبت می‌دهند. این در صورتی است که اسلام از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام، ادیان و جوامع حمایت می‌کند و تضمین‌کننده حقوق فردی و جمعی بوده و درواقع حقوق بشر یکی از ویژگی‌های اصلی اسلام است. اسلام به‌عنوان یک دین الهی، دو نوع حق را به رسمیت می‌شناسد: حقوقی که انسان‌ها به‌واسطه مخلوق خداوند بودن، موظف به انجام و اطاعت از آن هستند و حقوقی که از همنوعان خود انتظار دارند (Nazar Hussain, 2023, p.1).

اعلامیه اصول مدارا در سال ۱۹۹۵ با شش ماده در پاریس توسط کشورهای عضو یونسکو به تصویب رسید و با تأکید بر این نکته که مدارا صرفاً یک اصل ارزشمند نمی‌باشد بلکه پیش‌شرطی ضروری برای صلح و رشد اقتصادی و اجتماعی ملت‌ها قلمداد می‌گردد. گرچه اکثر مواد این اعلامیه مرتبط با موضوع مورد بحث است لکن در ماده سوم این ارتباط، صراحت بیشتری دارد. در این ماده با امعان‌نظر به ویژگی‌های دوران معاصر مانند جهانی‌شدن اقتصاد، روزافزونی تحرک، ارتباطات، همزیستی و وابستگی متقابل، مهاجرت‌های گسترده و رانده شدن ساکنین مناطق، شهرنشینی و دگرگونی الگوهای اجتماعی، اصل مدارا از هر زمان دیگری حائز اهمیت‌تر می‌داند، چراکه هر بخش از جهان نمودی از گوناگونی بوده و این امر به یک کشور محدود نمی‌شود بلکه یک خطر جهانی است.

۲- جایگاه حقوق همبستگی و هویت‌سازی

حقوق همبستگی به مجموع حق‌هایی است که در پی تقویت یا ایجاد همبستگی بین انبای بشر و جامعه بین‌المللی می‌باشند. حق محیط‌زیست سالم، حق صلح و حق توسعه از

پراهمیت‌ترین مصداق‌های این حقوق‌اند. طرفداران حقوق همبستگی، نظام و ساختار حقوق بشر مورد شناسایی در اعلامیه جهانی حقوق بشر را که به نسل‌های اول و دوم حقوق بشر تعرفه شده‌اند را نظام سنتی حقوق بشر نام می‌نهند و بر این باورند که نظام موصوف، نمی‌تواند تأمین‌کننده اهداف غایی و نهایی اندیشه حقوق بشر باشد. فردگرایی افراطی، قصور در شناسایی حقوق جمعی و گروهی ذیل نظام حقوق بشر، عدم استفاده و بهره‌مندی از سازکارهای هنجاری حقوق بشر برای نیل به کاهش تهدیداتی که از سوی بازیگرانی غیر از دولت‌ها و حکومت‌ها، علیه کرامت ذاتی و عرضی انسانی وجود دارد و عدم امعان‌نظر به ابعاد بین‌المللی حقوق بشر، از اصلی‌ترین ایرادات نظام سنتی حقوق بشر به‌شمار می‌رود و برای رفع این نقص‌های غیرقابل اغماض، لازم است تا تغییرات و دگرگونی‌های وسیع و ریشه‌ای در ارکان تأثیرگذار جامعه بین‌المللی رخ دهد تا نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، اصلاح، تکمیل و تقویت گردیده و درنهایت انسانی، اجتماعی و اخلاقی شود (انصاری، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۰).

«حق همبستگی مسائلی همچون حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر توسعه، حق بر صلح، حق بر میراث مشترک بشریت، حق تعیین سرنوشت را شامل می‌شود که نیازمند کوشش مشترک جهانیان است تا بتوان با اعمال و تثبیت آن‌ها حقوق فردی و جمعی را چه در جوامع داخلی و چه در جوامع بین‌المللی از حمایت و پشتوانه کافی برخوردار نمود» (همت‌زاده، ۱۴۰۱، ص. ۶۰).

حقوق همبستگی مبتنی بر اصول اساسی و بنیادینی است که نظر اندیشمندان به‌ویژه دانشمندان حقوقی را به خود جلب کرده است. فی‌الواقع در وهله نخست توجه اندیشمندان به اصول بنیادین و اساسی مندرج در مکتب حقوق طبیعی مانند حق حیات، انصاف، برابری، عدالت و نیز اصل برادری، لزوم همکاری، تعاون و احترام به خیر عام و جمعی بوده است که بشر را به‌سمت مودت، محبت و دوستی سوق می‌دهد و درنهایت ابنای بشر را به‌سوی حقوق همبستگی سوق می‌دهد. ابونصر فارابی در کتاب مدینه فاضله خود در باب تعاون و همکاری افراد آورده است: «هر یک از افراد مردم بالفطره در بقا و دوام خود، به‌منظور رفع نیازمندی‌ها، حوایج شخصی و برای پرورش استعداد و وصول به عالی‌ترین کمالات انسانی، خود را نیازمند امور متعدد می‌بیند که امکان دسترسی به آن به‌تنهایی برای

هیچ‌کس وجود ندارد؛ لذا، هیچ‌گاه انسانی به کمال مطلوب نتواند رسید، مگر به کمک و همکاری افراد اجتماع». وی همچنین بیان می‌نماید که «قوام و دوام جامعه جز بر مبنای تعاون جمعی تضمین نگردد و اجتماع، جز از طریق تعاون جمعی، به کمال خود نخواهد رسید» و درواقع مدینه فاضله از نظر وی آن است که مقصود و غرض اصلی از اجتماع در آن همکاری و تعاون در امور بزرگ و کوچک زندگانی باشد (ساروخانی و طالبی، ۱۳۸۸، ص. ۶۶). بعضی از آراء مطرح شده توسط قدما در محدوده روابط اجتماعی ساده و داخلی بوده و تأکید موکد بر لزوم تعاون در روابط اجتماعی و نیاز انسان‌ها به اجتماع‌پذیری و جمع‌گرایی در جامعه داخلی داشته است که با امعان‌نظر به محدودیت روابط کوچک و ساده جوامع ابتدایی در آن دوره این موضوع امری طبیعی به‌نظر می‌رسد، حال آنکه در دنیای امروز با توجه به پیچیدگی‌های موجود در روابط اجتماعی و گسترده بودن جوامع و نیاز متقابل این جوامع به همدیگر، این اصول را نمی‌توان صرفاً منحصر به جوامع ساده و کوچک داخلی به‌شمار آورد بلکه ضرورت منطقی و معقول ایجاب می‌کند که کل جامعه جهانی را به‌عنوان یک ملت تلقی نموده تا از این منظر اهمیت انکارناپذیر این اصول پایه‌ای به تمام جامعه جهانی تسری داده شود.

«در اندیشه نسبی‌گرایان، اعلامیه جهانی حقوق بشر از روح فرهنگ غرب برآمده است و جهانی شدن این هنجارها موجب از بین رفتن تنوع فرهنگی خواهد شد؛ لکن در آراء و اندیشه جهان‌شمولی حقوق بشر، این که همه کشورهای دنیا به جهت فطری و ذاتی بودن، این اعلامیه را به شکلی مورد پذیرش قرار داده‌اند» (مقامی و یزدخواستی، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۲).

اموری مثل حق بر حق بر صلح، محیط‌زیست سالم، حق بر میراث مشترک بشریت، حق بر توسعه، حق بر تعیین سرنوشت خود و حق بر ارتباطات نیازمند تلاش و مساعی مشترک جهانی است تا بتوان با تثبیت آن‌ها، حقوق و جمعی و فردی را چه در جوامع داخلی و چه در جوامع بین‌المللی مورد حمایت همه‌جانبه قرار داد.

ظهور مفاهیم حقوق بشری به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و تدوین منشور سازمان ملل موجب شد، حقوق بشر و حفظ شأن و منزلت انسانی از جمله مهمترین مسائل مطروحه در جامعه بین‌المللی باشد، هر چند قراردادن حق وتو برای پنج کشور قدرتمند اصول اولیه

منشور ملل متحد مانند برابری و عدالت را نقض نمود و موجبات تضعیف حقوق همبستگی گردید. این کشورها با استفاده ابزاری، از حق وتو موجب نقض حاکمیت کشورهای درحال توسعه و برخی از مفاهیم نسل سوم حقوق بشر یا حقوق همبستگی می‌شوند. حق وتو در اختیار قدرت‌های بزرگ از جمله ابزارهای مؤثر سیاست قدرت رئالیستی است که پس از جنگ سرد مفهوم خود را بازیافته است و فعلیت یافتن اهداف بالقوه ولی مشروع جهان اسلام را مخدوش می‌سازد. مفاهیمی مانند حق حیات، حق بر آزادی، حق بر مشارکت سیاسی در میثاق مدنی سیاسی، تحت عنوان حقوق بشر نسل اول اشاره شده است. مفاهیمی تحت عنوان حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی که نسل دوم حقوق بشر نامیده شد، در میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت. دو اصل مهم مورد تأکید انقلاب کبیر فرانسه در قالب حقوق نسل اول و دوم مورد توجه حقوق‌دانان غربی قرار گرفت و قوانین بین‌المللی ناظر بر این دسته از حقوق تدوین شد. این قوانین در جامعه بین‌المللی کنونی به شکل ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. چراکه عدم برابری در بهره‌مندی از امکانات مادی، تفاسیر گوناگون از آزادی در مباحث مختلف با یکدیگر در تعارض قرار گرفته است. در اعلامیه نهایی همایش جهانی حقوق بشر مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ در وین نیز برخی از مفاهیم حقوق همبستگی از جمله صلح، مردم‌سالاری، عدالت، مساوات، حاکمیت قانون، کثرت‌گرایی و توسعه مورد شناسایی قرار گرفت؛ لذا حقوق همبستگی و مفاهیم مرتبط آن از اهمیت بالایی برخوردار شده و کشورهای درحال توسعه به عنوان حامیان اصلی حقوق همبستگی مطرح شدند و کشورهای توسعه‌یافته با توجه به منافع ملی خود و سوءاستفاده از حقوق بشر و حقوق همبستگی، توجه چندانی به حقوق همبستگی ندارند (امیری: رئیسی و راعی، ۱۴۰۰، صص ۹۶-۹۷). حقوق همبستگی به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بشر، به تأکید بر همکاری و تعامل بین افراد و جوامع برای ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع منابع برابر میان اعضای جامعه می‌پردازد. این حقوق شامل حق بهره‌مندی از منابع طبیعی، حق بهره‌مندی از خدمات اساسی نظیر بهداشت و آموزش، حق بهره‌مندی از زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب، و حق بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی برای توسعه و پیشرفت فردی و جمعی می‌باشد. حقوق همبستگی بر اساس ایده‌ای از تعامل و تعاون اجتماعی بین افراد و

گروه‌ها برای ارتقای سطح زندگی و رفاه عمومی استوار است. این حقوق به‌منظور تضمین اجتماعی و اقتصادی همگانی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، و توسعه پایدار جوامع می‌باشد. از این‌رو، حقوق همبستگی به‌عنوان پایه‌ای از حقوق بشر مورد تأکید و حمایت قرار می‌گیرد و نقض آن می‌تواند منجر به نابرابری‌ها، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، و تضعیف حقوق انسانی شود. به‌طور کلی، حقوق همبستگی اهمیت زیادی برای توسعه پایدار و عدالت اجتماعی دارد و نقض آن می‌تواند منجر به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی شود که تأثیرات بلندمدت و گسترده‌ای بر جوامع خواهد داشت. از این‌رو، تأکید بر احترام و حفظ حقوق همبستگی از اهمیت بالایی برخوردار است و باید در تدابیر و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱- نابرابری

کشورهای مختلف جهان در موقعیت‌های مساوی قرار ندارند و نابرابری‌های مختلفی مانند نابرابری اقتصادی، نابرابری منطقه‌ای و ناحیه‌ای، نابرابری از حیث وجود امکانات طبیعی و منابع در نقاط مختلف دنیا، به چشم می‌خورد که این موضوع آسیب‌پذیر بودن بعضی از کشورها را به همراه دارد که موجب عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان می‌گردد. جهانی شدن اقتصاد با الگویی ویژه و خاص جهت تولید ثروت و توزیع آن شناخته می‌شود که در نهایت برای ثروتمند کردن یک عده خاص و نه همه مردم به کار می‌آید. تفاوت درآمد مردم در سراسر دنیا در تاریخ معاصر و امروزی با سرعتی بیش از گذشته افزایش پیدا کرده است که همین تفاوت‌های آشکار می‌تواند نابرابری‌ها را میان کشورهای فقیر و غنی شدت ببخشد؛ بنابراین نیاز به اقدامی فوری و جدی در راستای کاهش فقر جهانی و نیز حل مسائلی و موضوعاتی که مانع فرایند توسعه‌ای شده بیش از گذشته احساس می‌گردد و مساعی بیشتر در جهت اجرایی ساختن حق بر توسعه از آن‌روی که تأثیرات مستقیم و غیرقابل‌انکاری بر زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، سیاسی و پیشبرد حقوق بشر دارد، شرط ضروری و لازم برای اجرای حقوق دیگر مردم محسوب می‌گردد. بحث در این موضوع در دهه شصت با کشورهای در حال توسعه که در

پی استعمارزدایی و استقلال‌طلبی بودند، وارد مناسبات جهانی و بین‌المللی گردید. آنان مدعی بودند که حق بر توسعه منفک از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و درعین حال، می‌بایست به‌عنوان حق مسلم کشورهای درحال توسعه که به دنبال ایجاد یک نظم نوین در اقتصاد بین‌المللی هستند، در نظر گرفته شود. بجاوی از جمله کسانی است که از این نظر حمایت می‌کند که حق توسعه حق دولت هاست (بجاوی و میرفخرایی، ۱۳۷۴، ص. ۳۲۹)؛ زیرا در گذشته اسنادی مصوب گردید که حقوق بنیادین بشر مانند حق برخورداری از مسکن، پوشاک، غذا، آموزش و بهداشت را تحت پوشش قرار دادند که قبلاً در نسل‌های گذشته گنجانیده شده بود؛ اما کشورهای درحال توسعه با توجه به کاستی‌هایی نظیر عدم انسجام، رقابت‌ها و اختلافات داخلی و درونی، ضعف‌ها و کاستی‌های نهادی و سازمانی و نیز ناهمگونی میان اهداف بلندمدت، خواستار حقی انحصاری و اختصاصی در این رابطه می‌باشند تا بتوانند نظم و حمایت همه‌جانبه و واقعی را به‌دست آورند.

اسلام‌هراسی موضوعی است که مسلمانان در سراسر اروپا با آن مواجه هستند. در بریتانیا، پذیرش فزاینده‌ای وجود دارد که سیاست ضدتروریسم دولت، پیشگیری، منجر به افزایش تبعیض شده است. تحقیقات کنونی در مورد اینکه آیا تبعیض میان مسلمانان منجر به جدایی و عقب‌نشینی از زندگی عمومی می‌شود یا اینکه احساس مسئولیت برای مشارکت فعال‌تر و مشارکت در سیاست یا اشکال جایگزین مقاومت سیاسی را برانگیخته است، تقسیم شده است. برخی شواهد نشان می‌دهد که مسلمانان از مشارکت سیاسی عقب‌نشینی می‌کنند (Balazard and Peace, 2023, p.87). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که در هر سال ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ مورد توهین، تحریک، تهدید، خسارت مالی و آسیب‌های خطرناک بدنی علیه مسلمان‌ها توسط پلیس آلمان ثبت شده است که این آمار رو به تزاید می‌باشد. در سال ۲۰۰۰ (۱۳۸۹)، اف.بی.آی حدود ۲۹ اقدام اسلام‌هراسانه ثبت کرده بود. دو دهه بعد یعنی در سال ۲۰۲۰، این تعداد به ۱۱۰ مورد افزایش یافت.

۲-۲- حق برقراری آرامش و صلح و عدم خشونت

این حق برای حفظ شأن و کرامت انسانی، حقیقتی ارزشمند بوده که از گذشته‌های دور تا

امروز همواره جزء آرزو و آمال بشر بوده و از ابتدایی‌ترین و بنیادی‌ترین اصول نظام حقوقی و نیز از ارزش‌های پایه‌ای جامعه جهانی است که عدم رعایت این موضوع پراهمیت به معنای زیرپای گذاردن کرامت ذاتی و عرضی بشریت و به‌التبع آن، سایر مصداق‌های حقوق بشری می‌باشد. این حقیقت مبرهن بر همگان مسلم می‌باشد که حق بر صلح از مصادیق حقوق طبیعی و اولیه ابناء بشر است که هر عقل سلیمی الزام وجودی آن را می‌پذیرد؛ اما درعین حال نباید از این واقعیت مهم غافل گشت که بسیاری از مصداق‌های حقوق طبیعی به موازات حقوق وضعی تکامل و توسعه یافته‌اند و متجلی خواهند شد. در این باره می‌توان به نظریه هابز در مورد حق بر صلح و تأکید بر حقوق جمعی اشاره داشت که: لزوم دسترسی همگانی یکی از قوانین طبیعی است که انسان بماهو انسان آن را کشف و پیدا می‌کند؛ اما دسترسی به صلح و سازش صرفاً از طریق پیمان و معاهده میسر بوده و این قانون دیگر طبیعت است که بشر آن را درمی‌یابد و به جهت دستیابی به صلح، حاضر است حتی از حقوقی که برای خود قائل بوده صرف‌نظر نماید (جاوید و رستمی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶۴).

بر این مبنا لزوم تکامل این فرایند ایجاب می‌کند تا تلاش و مساعی بیشتری برای تدوین گزاره‌هایی در این راستا صورت پذیرد؛ لکن با توجه به افزایش منازعات داخلی و نیز جنگ‌های خارجی و معضلات و مشکلات منشعب از این اختلافات، بشر به ستوه آمده و ضرورت ایجاب نمود تا جایگاهی رفیع بر حق صلح، آرامش و حیات بشری قائل بود و رعایت نمودن آن را توسط تابعان حقوق بین‌الملل، به جد در سرلوحه برنامه سازمان ملل متحد قرار گیرد. اتمام جنگ دوم جهانی را می‌توان نقطه‌ای عطف در حیات مجدد مفهوم حق بر صلح قلمداد نمود. این احیاء، تا حدود زیادی در نتیجه بیزاری و هراس از نازیسم و نظامی بود که برای افراد بشری ارزشی قائل نمی‌گشت و برای اولین مرتبه در منشور ملل متحد جلوه‌گر گردید، منشور ملل متحد در مواردی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، برابری، حق بر صلح و عدم تبعیض و دیگر حقوق بنیادین اشاره دارد. این منشور به دنبال آن است که دولت‌ها را در محدوده خیرهای عام و مشترک بین‌المللی که به ارزش متعالی بشریت متصل می‌باشد و همگی طبعاً و تبعاً به آن پایبند هستند و در نتیجه در قبال آن تکلیف‌هایی دارند، همبسته و وابسته به یکدیگر کنند. بنائاً منشور سازمان ملل با به عمل

آوردن اقدامات و اعمال دسته‌جمعی تأثیرگذار خود می‌توان در جهت جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات بر ضد صلح جهانی و توقف هرگونه فعل تجاوزکارانه یا سایر امور ناقض دیگر از وضعیت کنونی امنیت و صلح بین‌المللی محافظت نموده و در راستای تفاهم و مفاهمه مشترک، احترام به عقاید مخالف و نیز گذشت، مودت و دوستی فی‌مابین تمامی ملل مختلف و جمعیت‌های متعدد نژادی و یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های بشردوستانه، ملل متحد را در راه حفظ صلح ترغیب می‌کند. مساعی و تلاش سازمان ملل متحد در همین‌راستا و هم‌داستان با تنش‌زدایی و امنیت‌افزایی، منتج به تدوین اعلامیه مربوط به حق ملت‌ها بر صلح در قطع نامه شماره ۳۹/۱۱ در دوازدهم نوامبر سال ۱۹۸۴ میلادی گردید (نوازنی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۶). این اعلامیه حاوی یک مقدمه و چهار ماده است. در مقدمه این‌گونه آمده است که هدف اصلی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است و نیز بر اراده و آرمان‌های تمامی ملل در راه ریشه‌کنی بیش از پیش جنگ‌ها تأکید مؤکد دارد. به جهت جایگاه گوناگونی که مفهوم صلح در حوزه‌ها و منظرهای تاریخی، حقوقی، فرهنگی، دینی و علوم سیاسی دارد، مفاهیم مختلفی از آن، بر اساس هر یک از این منظرها و دیدگاه‌ها ارائه گردیده است. از نقطه‌نظر مفهومی، واژه صلح به شکل کلاسیک، از روز نخست برای عدم وجود وضعیت خشونت، تجاوز، یا مخاصمه به‌کار رفته است که بدان صلح منفی می‌گویند؛ اما صلح به‌واسطه گستره وسیعی که در راستای نگرش‌های متعدد اخیر امنیت حقوق و انسانی بشریت پیدا کرده است، پا را از آن فراتر گذاشته و شکل‌گیری و حفظ روابط هنجاری میان انسان‌ها و دولت‌ها، یعنی در حوزه رفاه اقتصادی و یا اجتماعی را نیز شامل می‌گردد. بر همین‌مبنا، می‌توان تعریف حق صلح را در دو دسته صلح مثبت و منفی، جانمایی و عرضه نمود (زمانی و چورکه یکشوه، ۱۳۹۵). صلح مثبت که به مفهوم برقرار نمودن توسعه، عدالت و کرامت انسانی متبادر به ذهن می‌گردد و صلح منفی که به مفهوم پیشگیری و جلوگیری از وقوع جنگ و درگیری‌های مسلحانه و کاستن از خشونت‌های ناشی از جنگ می‌باشد؛ اما همچنان راه برای کشورهای سودجو و سلطه‌طلب باز بوده تا آن مفهوم بلند به نفع خویش و در جهت احقاق اهداف گاه پلید خود تفسیر و تحلیل نموده و نظم جامعه بین‌المللی را به مخاطره اندازند که درنهایت موجب رخوت پایبندی و مسئولیت

دولت‌ها می‌گردد. به همین علت می‌بایست جنبه‌های متعدد حق بر صلح معین گردد و ارکان و عناصر دقیق آن شناسانده شود، همچنین دایره شمول و حدود و ثغور آن معین شده باشد تا راه سوءاستفاده بسته شود. بنائاً ضروری است تمامی جنبه‌های قابل تصور از حق بر صلح به صورت واضح تفکیک و شناسایی شده تا بتوان تعریف جامع و مانعی به همراه مرزبندی مشخص ارائه گردد. نیز می‌بایست تعهدات، وظایف و تکالیف دولت‌ها تعیین شود تا در مواقع حساس، ضروری و فورس ماژور که نیازمند به تفسیر این مفهوم والا باشد، فقط تفسیر مضیق در جهت جلوگیری از آسیب به صلح، مطمح نظر قرار گیرد تا بتوان از این رهگذر به طور بسیار جدی از حق بر صلح حمایت گردد (اکبرپور، مسعود، و اخوان‌فرد، ۱۴۰۰، ص. ۷۱۰).

۳- اهمیت نقش رسانه‌ها در حقوق همبستگی

با امعان نظر به این موضوع که دوران معاصر، زمانه سلطه ارتباطات بر بشریت است، اصلی‌ترین رسالت اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به ابناء بشر نیز بر گرده رسانه‌های ارتباط جمعی قرار دارد. اکنون رسانه‌ها با درنوردیدن مرزهای متعدد فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی، هویت‌سازی برای انسان را مدنظر قرار داده‌اند، به شکلی که هویت انسان نوین و امروزی را می‌توان، هویت منشعب از رسانه‌ها و هویت مجازی نام نهاد. افزونگی نقش وسایل جدید ارتباط جمعی در بخش‌های متعدد زندگی انسان‌ها سبب شده تا از آنان در زمینه‌های مختلف، استفاده گردد. رسانه‌های جمعی همچنان‌که می‌توانند در شکل‌دهی و تحکیم نقاط قوت مشترک بشری نقش به‌سزایی ایفاء کنند، از دیگر سوی می‌توانند در تضعیف و رخوت پایه‌های مهم جوامع، اثر شگرفی بگذارند. با وجود کارکردهای گوناگون رسانه‌های جمعی، مانند ایجاد انسجام و تعلق اجتماعی، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، فراهم نمودن بسترهای مشارکت‌های عمومی و نظارت‌های همگانی در نظام اجتماعی و نیز نظارت بر کارکرد ساختار قدرت، می‌توانند جایگاه رفیعی در شکل‌گیری، تکامل و نهادینه‌سازی شاخص‌ها و ارکان اساسی ساختار سیاسی جامعه داشته باشند (گلشنی، جدیدی و اسکندری، ۱۳۹۱، ص. ۲۸).

همچنان که گفته آمد، رسانه‌ها، نقشی دوسویه در مواجهه با جوامع دارند؛ از سویی با

دستکاری و تحریک به تغییر و تهدید بافت اجتماعی یک جامعه مبادرت می‌ورزند و نابسامانی‌های اجتماعی را دامن می‌زنند و از سویی دیگر می‌توانند با مدیریت صحیح، مانع ایجاد شکاف‌های اجتماعی گردند. رسانه‌های جمعی می‌توانند از طریق تحکیم و تعمیق زیرساختی پیوندهای فرهنگی، ملی، مذهبی و تاریخی به تقویت توسعه و همبستگی‌های اجتماعی بپردازند (قاسمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۰).

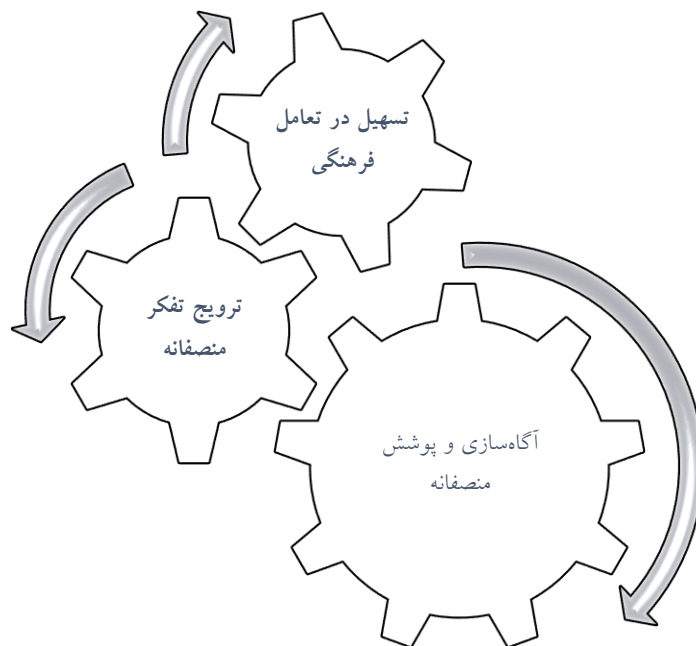
معمای هویت در سطح فردی و اجتماعی مهم‌ترین دغدغه انسان امروزی است و یکی از اساسی‌ترین و بدیع‌ترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن شمرده می‌شود که واجد معانی متعدد می‌باشد و تبیین آن مستلزم تبیین بین‌رشته‌ای است. هویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث علمی توجه صاحب نظران عرصه روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، علوم تربیتی، علوم سیاسی و فلسفه را حداقل به خود معطوف داشته است. این مهم ناشی از آن است که انسان‌ها دارای هویت‌های گوناگونی هستند که لزوماً این هویت‌ها در مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند؛ زیرا افراد از هویت‌های گوناگون به‌عنوان بسته‌های اطلاعاتی استفاده می‌کنند و در موقعیت‌های مناسب از آن‌ها سود می‌جویند. هویت یعنی کیفیت یکسان بودن در ذات، ترکیب و ماهیت و نیز یکسان بودن در هر زمان و هر شرایط، هویت داشتن، یا یگانه بودن بودن دارای دو جنبه متفاوت می‌باشد همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان است. جنکینز نیز هویت را متضمن مفاهیمی چون شباهت و تفاوت می‌داند. جنکینز در تعریف هویت با تأسی به تبیین ریشه لاتینی Identity که از Idem به‌معنای مشابه و یکسان است به دو معنی تشابه و تمایز اشاره دارد. مفهوم هویت به‌طور همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد از یک‌طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت مطرح می‌کند. جامعه‌شناسی معاصر هویت را عناصر سیال و تحول‌پذیر می‌شناسد. باوجوداین جوامع انسانی دارای هویت فرهنگی و اجتماعی خاصی نیز هستند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کنند؛ بنابراین در تعریف هویت به‌طور همزمان ویژگی سیال و متحول بودن هویت و هم خصلت ثبات و انسجام آن مدنظر می‌باشد (بی‌نام، ۱۳۹۰، ص. ۴۲).

در بین مسلمانان در مورد مسائل حقوق بشر تفاسیر مختلفی وجود دارد. از یک‌سو، با

توجه به این که گفتمان نوین حقوق بشر از غرب برخاسته است، که از نظر تاریخی با امپریالیسم و استعمار ارتباط تنگاتنگی دارد، برخی گروه‌های مسلمان دیدگاه‌های خصمانه‌ای نسبت به حقوق بشر دارند. از سوی دیگر، مسلمانانی نیز وجود دارند که به دلیل تعامل فشرده با غرب، دیدگاه‌ها و افکاری را ایجاد کرده‌اند که تمایل به سازگاری یا حتی تقلید نسبت به همه چیز از غرب از جمله مسائل حقوق بشر دارند (Mukharrom and Abdi, 2023, p.40).

۳-۱- اثرات رسانه‌ها در تضییق اسلام‌هراسی و توسعه حقوق همبستگی

رسانه‌ها به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای اصلی جامعه جهانی، به شرح ذیل نقش به‌سزایی در مبارزه با اسلام‌هراسی و تسهیل توسعه حقوق همبستگی ایفاء می‌نمایند که در شکل زیر شمایی کلی از این تأثیرگذاری آمده است که در ادامه تحلیل خواهد شد.



شکل شماره ۱: اثرهای رسانه بر تضییق اسلام‌هراسی

(منبع: طراحی نگارنده)

۳-۱-۱- آگاه‌سازی و پوشش منصفانه

در صورت دوری جستن از اخبار جعلی و نادرست، رسانه‌ها با ارائه اطلاعات دقیق و تحلیل‌های منصفانه می‌توانند به شناخت صحیح اسلام و اجتناب از تشویش و تبلیغات منفی کمک نمایند. آگاه‌سازی عمومی می‌تواند مبنایی برای مقابله با اسلام‌هراسی باشد (شریفی طرازکوهی؛ پاکزاد و ایازی، ۱۴۰۲، ص. ۹۰). آگاه‌سازی و پوشش منصفانه از سوی رسانه‌ها در مقابله با اسلام‌هراسی به مفاهیم زیر توجه دارد:

۱. ارائه اطلاعات دقیق: رسانه‌های جمعی در سراسر دنیا می‌بایست اطلاعات دقیق و کاملی را ارائه دهند تا تصویر صحیحی از اسلام ارائه گردد. همچنین از تحقیقات علمی و منابع قابل اعتماد برای ارائه اطلاعات استفاده کنند تا از نادرستی و تحریف اطلاعات پرهیز کنند. اسلام دین محبت و مودت است و تفسیر غیرانسانی برخی مانند داعش، که فقط نام اسلام را برای مطامح خود به‌طور مزورانه حمل می‌کنند و بالکل از مرام اسلامی برخوردار نیستند، نمی‌تواند نماینگر عمق تعالیم اسلام رحمانی باشد (نبوی و اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۸، ص. ۹۹). بنائاً شناخت اسلام حقیقی و تمییز آن از نطله‌هایی که صرفاً دم از اسلام می‌زنند و میان تهی بوده و درواقع ضد اسلام هستند می‌تواند راهگشا باشد.

۲. تنوع در دیدگاه‌ها: پوشش منصفانه باید تنوع و تعدد دیدگاه‌ها را در مورد اسلام فراهم کند. این امکان می‌دهد که مخاطبان با نظرات متعدد آشنا شوند و برای خودشان نقد و تحلیل داشته باشند. آیه هجدهم سوره مبارکه زمر، از ویژگی‌های مثبت بندگان را شنیدن اقوال مختلف و تبعیت از بهترین‌ها دانسته است. این آیه می‌تواند الگویی ماندگار و مناسب برای تمامی رسانه‌ها باشد تا بتوانند شرایط شنیده شدن قول‌های مختلف را به جهانیان بدهند تا سره از ناسره مشخص و متمایز گردد. هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان باید توانایی شنیدن اقوال مختلف را در خود تقویت نمایند تا منجر به تعدیل اندیشه‌ها و نیز تقویت ذهن و شناسایی اندیشه‌های مختلف گردد. این مسیر درنهایت یقیناً منجر به ماندگاری اندیشه‌های درست و نیز محو شدن و یا کم‌رنگ‌تر گردیدن اندیشه‌های نادرست خواهد شد.

۳. پیشگیری از تبلیغات منفی: رسانه‌ها باید از ترویج تبلیغات یا نگاه‌های منفی و تعصب‌آمیز

به اسلام پرهیز کنند. این اقدام می‌تواند از تشویش و ترویج افکار اسلام‌هراسانه جلوگیری کند. پیش‌داری‌های ناشی از انتشار اطلاعات منفی از اساسی‌ترین ایرادات رسانه‌هایی است که خواسته و یا ناخواسته به جهل بیشتر اندیشه‌های منتج می‌گردد و در نهایت به تضعیف حقوق همبستگی می‌انجامد. اگر رسانه‌هایی که تعمداً اقدام به انتشار اطلاعات جهت‌دار و تفرقه‌انگیز می‌نمایند شناسایی شوند و این موضوع بارها و بارها به اطلاع عموم برسد، در درازمدت می‌تواند منجر به آگاهی همگانی در این زمینه گردد.

۴. توجه به سوژه‌های مهم: رسانه‌ها با پوشش منصفانه باید به مسائل و اتفاقات مهم مربوط به جوامع اسلامی توجه داشته باشند و از فرازونشیب‌های مختلف در این مناطق جغرافیایی و فرهنگی نیز خبرهای مهم را مخابره نمایند. ترویج این اخبار باعث افزایش آگاهی جامعه، افزایش دانش مردم درباره اسلام و ایجاد یک محیط منصفانه برای تفکر و گفتگو می‌شود که در نهایت به مقابله با اسلام‌هراسی و توسعه حقوق همبستگی کمک خواهد کرد. با توجه ذات الهی دین اسلام، هرچه آگاهی عمیق نسبت به این آیین بیشتر گردد می‌تواند راه را بر انحرافات ببندد؛ البته در صورتی که لایه‌های زیرین دین مبین اسلام بررسی گردد و از سطحی‌نگری اجتناب شود.

۳-۱-۲- ترویج تفکر منصفانه

رسانه‌ها می‌توانند فضایی برای بحران‌زدایی ایجاد کنند و تفکر منصفانه را ترویج کنند. برنامه‌ها و محتواهایی که به بررسی ریشه‌ها و عوامل اجتماعی اسلام‌هراسی پرداخته و راهکارهایی منطقی ارائه کنند، می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند. ترویج تفکر منصفانه توسط رسانه‌ها متضمن اقدامات و سیاست‌هایی است که به تحلیل بی‌طرفانه و بدون تعصب اطلاعات و رویدادها می‌پردازد. این تفکر، واجد جنبه‌هایی است که عبارت‌اند از:

۱. تنوع دیدگاه‌ها: رسانه‌ها باید تفکر منصفانه را با ارائه دیدگاه‌های متعدد و مختلف نشان دهند. این امر به ارتقاء تعاملات فکری و فرهنگی کمک کرده و تفکر کمال‌گرا و تعصبی را کاهش می‌دهد. قرآن کریم، به خلقت گوناگون امت‌ها و ملت‌ها اشاره کرده است و دلیل این تنوع انسانی را شناخت ملت‌ها می‌داند. این طبیعی است که شناخت امت‌ها از یکدیگر جز از راه تبادل نظر، ارتباط و گفتگو امکان‌پذیر نخواهد بود. قرآن کریم،

علاوه بر آن که بر روابط اجتماعی میان انسان‌ها تأکید فراوان دارد، آنان را به سیر در میان سایر اقوام مختلف و سیاحت در سراسر زمین فرامی‌خواند و به اندیشه در احوال دیگر ملل ترغیب می‌نماید، این امر، بیانگر توجه اسلام به ضرورت تعامل و ارتباط میان ملت‌ها اشاره دارد (فاضلی، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۰).

۲. پوشش گسترده موضوعات: رسانه‌ها باید به گستردگی مسائل مختلف مرتبط با اسلام پرداخته و هر موضوع را از چند زاویه مورد بررسی قرار دهند تا تفکر عمیق‌تر و جامع‌تری ایجاد شود. باوجوداین برخی از رسانه‌ها با لابی‌گری به دنبال انزوای اندیشه‌های اسلامی هستند تا از عدم آگاهی مردم از اسلام ناب، اندیشه‌های التقاطی را به عنوان نمایندگان واقعی اسلام جایگزین نمایند و نتیجه‌ای جز تحریف دین اسلام نخواهد داشت. به نظر می‌رسد که دلیل اصلی ترویج اسلام‌هراسی این است که رسانه‌های لابی‌گر، به حقانیت دین اسلام پی برده‌اند و از اینکه مردم در سراسر دنیا با توسل به اسلام، به اندیشه‌ورزی و انسانیت واقعی دست یابند، بیم دارند؛ لکن رسانه‌های منصف باید با رعایت استانداردهای رسانه‌ای تلاش نمایند که صدای اندیشه‌های اسلامی را به گوش همگان برسانند.

۳. استناد به منابع قابل اعتماد: برای حمایت از تفکر منصفانه، رسانه‌ها باید از منابع علمی و قابل اعتماد استفاده کنند. اطلاعات دقیق و معتبر اساسی برای تولید محتوای منصفانه هستند (قاسم‌پور دهقانی و بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۰). منبع قابل اعتماد آن است که اولاً با اسلام عناد نداشته باشد و در کمال انصاف واقعیت‌ها را انتقال دهد تا درنهایت، مخاطبان خودشان تصمیم نهایی برای پذیرش را اخذ نمایند.

۴. تحلیل شفاف: رسانه‌ها باید تحلیل‌ها و نقدهای خود را به شکل شفاف ارائه دهند و از اظهارنظرهای متعصبانه پرهیز کنند. این امر باعث افزایش اعتماد مخاطبان به منابع اطلاعاتی می‌شود. شفافیت صرفاً یک موضوع درون‌خبری و فقط دقت در ادبیات و زبان خبرها نمی‌باشد بلکه فراتر از آن، توجه به جامعیت خبر و عدم جانبداری و بیان واقعی و صحیح یک اتفاق است. تنها در محیط شفاف است که تشخیص اصالت اخبار و اقوال مشخص می‌گردد و در بستر محیط‌های غیرشفاف می‌توان اطلاعات قلب شده یا غلط را

منتقل نمود.

۵. ترویج مهارت‌های تفکر: رسانه‌ها می‌بایست برنامه‌ها و محتواهایی را ایجاد کنند که به تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و منصفانه در جامعه کمک کنند. این مهارت‌ها به افراد کمک می‌کنند تا به‌طور مستندتر به مسائل نگاه کنند. ترویج تفکر منصفانه توسط رسانه‌ها می‌تواند به ارتقاء سطح فهم جامعه و مبارزه با تعصبات غیرضروری کمک کرده و در توسعه یک فضای جامعه متعادل و پویا نقش مهمی ایفا کند (یوسفی و گردان‌شکن، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۲۵). در صورتی‌که محیط تفکر محور بیشتر گردد همه اندیشه‌ها و منجمله تفکرات دین اسلام بیشتر منتشر می‌گردد و اسلام‌هراسی و به‌طور کل هراس از اندیشه‌های به‌ظاهر متفاوت، به‌حداقل خود می‌رسد.

۳-۱-۳- تسهیل در تعامل فرهنگی

رسانه‌ها با ترویج فهم و تعامل فرهنگی می‌بایست پلی برای ارتقاء گفتگو بین ادیان و فرهنگ‌های مختلف فراهم کنند. این اقدام به تقویت ارتباطات مثبت و ایجاد افق‌های جدید میان اجتماعات بشری کمک می‌کند. تسهیل در تعامل فرهنگی توسط رسانه‌ها شامل اقداماتی است که به ارتقاء درک و ارتباط میان افراد و گروه‌های فرهنگی مختلف کمک می‌کند. در این راستا، موارد زیر می‌توانند به تسهیل در تعامل فرهنگی کمک کنند:

۱. نمایش تنوع فرهنگی: رسانه‌ها با نمایش تنوع فرهنگی و تاریخچه‌های مختلف ملت‌ها، افراد را با فرهنگ‌های گوناگون آشنا می‌کنند و افق‌های جدیدی برای تعامل فرهنگی ایجاد می‌نمایند. تنوع و رنگارنگی فرهنگ‌ها و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها جذابیت بالایی دارد و می‌توان از این تفاوت‌ها بهره‌های فراوانی برد و تماماً حسن محسوب گردیده و نمایش این تفاوت‌ها باعث تعامل بیشتر می‌گردد و در نهایت حقوق همبستگی بهتر و بیشتر رعایت می‌گردد.

۲. ترویج ارزش‌های مشترک: رسانه‌ها می‌توانند به ترویج ارزش‌های مشترک مانند صداقت، عدالت و تعامل فرهنگی کمک کنند. این ارزش‌ها راهی را برای افراد با زمینه‌های فرهنگی مختلف بسازند. شکی نیست که مبنای حقوق همبستگی همین ارزش‌های پذیرفته شده مشترک هستند، در صورتی‌که این‌ها ترویج بیشتری یابند می‌توان به سرمنشأ واحد

- و یکسان همه ادیان و اندیشه‌های والا دست یافت.
۳. برگزاری برنامه‌های تفریحی فرهنگی: ترتیب برنامه‌ها و رویدادهای فرهنگی مشترک می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای تعامل بین افراد از طریق هنر، موسیقی، و تجربه‌های فرهنگی فراهم کند.
۴. استفاده از وسایل چندرسانه‌ای: رسانه‌ها با استفاده از وسایل چندرسانه‌ای می‌توانند داستان‌ها، مستندات، و برنامه‌های تفریحی را ارائه دهند که به تعامل فرهنگی افراد کمک کرده و پنجره‌ای به دنیای دیگران باز کنند.
۵. مصاحبه با نمایندگان فرهنگی: اجازه به نمایندگان فرهنگی برای به اشتراک‌گذاری تجارب و دیدگاه‌های خود در رسانه‌ها، تعامل فرهنگی را ترویج می‌کند.
۶. تشویق به گفتگو: رسانه‌ها می‌توانند از طریق برگزاری برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، یا پادکست‌هایی که به گفتگو و تبادل نظر تشویق کنند، تعامل فرهنگی را تقویت کنند. این اقدامات همگی باعث ارتقاء درک متقابل، کاهش تعصبات فرهنگی، و تشدید ارتباطات فرهنگی میان افراد از زمینه‌های فرهنگی مختلف می‌شوند.

نتیجه‌گیری

توسعه و ارتقاء حقوق همبستگی از طریق رسانه‌ها نه تنها یک راهکار کارآمد برای مقابله با اسلام‌هراسی بوده بلکه یک پل مهم برای ایجاد جوامعی پویا و نیز ارتقاء تعاملات فرهنگی است. افزایش آگاهی، تشویق به تفکر منصفانه، و ایجاد فضاهایی برای تعامل فرهنگی، مبنایی برای تحقق حقوق همبستگی در جوامع گوناگون می‌باشد. این مهم نه تنها به افزایش اتحاد و تعامل میان افراد و گروه‌های فرهنگی مختلف کمک می‌کند بلکه به تسهیل در بهره‌مندی از تنوع فرهنگی به عنوان یک منبع غنی و سازنده نیز کمک شایان توجهی می‌نماید.

با اتکاء به اصول حقوق همبستگی از طریق رسانه‌ها، جوامع بشری قادر به تحقق تعهد به حقوق انسانی و تضمین برابری در مواجهه با چالش‌های اسلام‌هراسی می‌شوند. این نه تنها به بهبود فرایندهای اجتماعی و حقوقی کمک می‌کند بلکه به ساختاری مبتنی بر احترام به تنوع فرهنگی و اجتناب از تعصبات فرهنگی منجر می‌شود. با اجرای اصول حقوق

همبستگی از طریق رسانه‌ها، جوامع قادر به ایجاد محیطی پویا و سزرنده خواهند بود که تنوع فرهنگی را تقویت کرده، آگاهی را افزایش داده و تفکر منصفانه را ترویج خواهد داد. این راهبردها به توسعه حقوق همبستگی کمک کرده و به تعاملات فرهنگی سازنده در جامعه جهانی فراهم می‌کنند. از این رو، حقوق همبستگی نه تنها به تداوم تعاملات مثبت بین اقشار مختلف جامعه کمک می‌کند بلکه به ارتقاء مفهوم عدالت و برابری در زندگی اجتماعی هم پیوند می‌زند. حقوق همبستگی در واقع نه تنها یک ابزار اثربخش در مقابله با اسلام‌هراسی است بلکه یک سازوکار برای ایجاد تعاملات فرهنگی مثبت، پاسداشت تنوع فرهنگی و توسعه عادلانه جوامع می‌تواند باشد. از این منظر، استفاده هوشمندانه از این اصول، به اجتماعات بشری این امکان را می‌دهد تا به راه‌های سازنده و اثربخش خود به سوی توسعه و پیشرفت همگانی جهانی ادامه دهند.

منابع و مأخذ

- اکبرپور، ساجده؛ مسعود، غلام‌حسین و اخوان فرد، مسعود (۱۴۰۰). حقوق همبستگی و نقش آن در شکوفایی نسل سوم حقوق بشر. *مجله حقوق پزشکی*. شماره ۱۵، صص. ۶۰۳-۶۲۰.
- امیری، مجاهد؛ رئیسی، لیلا و راعی، مسعود (۱۴۰۰). حقوق همبستگی از منظر سند الگوی ایرانی. *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی/ایرانی*. سال ۹، شماره ۲، صص. ۹۵-۱۲۴.
- انصاری، باقر (۱۳۹۱). *نقدهای مطرح علیه حقوق همبستگی و پاسخ به آنها*. تحقیقات حقوقی. دوره ۱۵، شماره ۵۸، صص. ۱-۲۱.
- بجاوی، محمد و میرفخرایی، محمدجواد (۱۳۷۴). ساخت و پرداخت احکام در دیوان بین‌المللی دادگستری. *مجله حقوقی بین‌المللی*. دوره ۱۳، شماره ۱۸-۱۹، صص. ۳۲۱-۳۶۶.
- بی‌نام (۱۳۹۰). بررسی تأثیر رسانه‌های جهانی بر هویت فرهنگی جوانان، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*. دوره. شماره ۵، صص. ۳۹-۶۲.
- جاوید، محمدجواد و رستمی، مرتضی (۱۳۹۴). ابعاد نظری و آثار عینی حقوق طبیعی در اسناد و آرای حقوق بشری. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*. دوره ۴۵، شماره ۳،

صص. ۵۷۴-۵۵۳.

- جعفری‌نژاد، مسعود و قائدی، محمدرضا (۱۳۹۲). عملیات روانی هالیوود در گسترش موج اسلام‌هراسی. *مطالعات عملیات روانی*. شماره ۳۷. صص. ۱۱۳-۱۳۴.
- زمانی، جعفر و چورکه یکشوه، احمد (۱۳۹۵). ضرورت طراحی فضای برای صلح بارویکرد ایجاد حس صلح دوستی (بارویکرد هنر مفهومی و معنا‌گرا). *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*. آلمان.
- ساروخانی، باقر و طالبی، رضا (۱۳۸۸). مدینه فاضله در اندیشه ابونصر فارابی. *مجله جامعه‌شناسی معاصر*. شماره ۲، صص. ۸۶-۴۹.
- سیدامامی، کاووس و حسینی فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰). زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان در بریتانیا. *دوره ۷، شماره ۲، صص. ۹۲-۱۳۲*.
- شریفی طراز کوهی، حسین؛ پاکزاد، بتول و ایازی، رضا (۱۴۰۲). تأملی بر آزادی بیان و مقابله با اخبار جعلی در پرتو سیاست‌گذاری سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا. *سیاست‌گذاری عمومی*. دوره ۹، شماره ۲، صص. ۸۴-۹۶.
- علی‌پور، عباس؛ مجردی، سعید؛ حیات مقدم، امیر؛ علیزاده، علی و جنیدی، رضا (۱۳۹۷). راهبردهای پیشگیری و مقابله با اسلام‌هراسی. *راهبرد دفاعی*. دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص. ۹۵-۱۲۱.
- عیسی‌زاده، عباس و شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۷). واکاوی نقش رسانه‌های غربی در اسلام‌هراسی معاصر. *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*. شماره ۲، صص. ۱۴۹-۱۷۲.
- فاضلی، مهسا (۱۳۸۱). اهمیت تعامل و گفتگوی فرهنگی در منظر قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*. شماره ۳۲، صص. ۱۰۲-۱۲۳.
- قاسم‌پور دهاقانی، علی و بختیار نصرآبادی، حسن‌علی (۱۳۸۸). جایگاه اندیشه و اندیشیدن در نظام تربیتی اسلام. *تربیت اسلامی*. شماره ۹، صص. ۱۲۵-۱۴۰.
- قاسمی، محمد (۱۳۸۸). بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد همگرایی ملی و امنیت پایدار (با تاکید بر همگرایی مرزنشینان استان آذربایجان غربی). *پژوهشنامه نظم و امنیت/انتظامی*.

- دوره ۲، شماره ۳، صص. ۱۷۸-۱۴۹.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). یازده سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب. *جستارهای سیاسی معاصر*. دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۰۳-۱۲۲.
- گلشنی، علیرضا؛ جدیدی، علی و اسکندری، صالح (۱۳۹۱). نقش رسانه در توسعه سیاسی و اجتماعی با تأکید بر جامعه معناگرای ایران. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. دوره ۲، شماره ۱، صص. ۵-۲۸.
- مرشدی‌زاده، علی و غفاری هشتجین، زاهد (۱۳۸۶). اسلام‌هراسی در اروپا، ریشه‌ها و عوامل. *دانش سیاسی*. دوره ۳، شماره ۶، صص. ۱۱۳-۱۳۹.
- مقامی، امیر و یزدخواستی، فرزانه (۱۴۰۲). تزامم حق‌های بشری، نظریه و رویه. *دوفصلنامه حقوق بشر*. شماره ۱، شماره ۳۵، صص. ۱۷۹-۱۹۷.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸). مبانی و ریشه‌های تاریخی اسلام‌هراسی غرب؛ بررسی موردی جنگ‌های صلیبی. *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*. جلد ۱، شماره ۲، صص. ۱۲۲-۱۳۵.
- نبوی، عبدالامیر و اعتضادالسلطنه، نوژن (۱۳۹۸). داعش و مدرنیسم ارتجاعی؛ بررسی اندیشه و عملکرد نسل جدید اسلام‌گرایی رادیکال. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ۳۱، صص. ۷۹-۱۰۵.
- نوازی، بهرام و فرج‌زاده، سکینه. (۱۳۹۰). شورای امنیت سازمان ملل متحد و تعارض اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها با اصل حق حاکمیت ملی: مورد کوزوو. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. دوره ۶، شماره ۴، صص. ۲۱۳-۲۳۶.
- همت‌زاده، لیلا (۱۴۰۱). حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان بخشی از نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی). *فصلنامه کاربرد شیمی در محیط‌زیست*. سال ۱۳، شماره ۴۹، صص. ۵۷-۶۲.
- یوسفی، علیرضا و گردان‌شکن، مریم (۱۳۹۰). *تفکر انتقادی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. دوره ۱۱، شماره ۹، صص. ۱۱۲۰-۱۱۲۸.
- Balazard, Helène & Peace, Timothy (2023). Confronting Islamophobia and its consequences in East London in a context of increased surveillance and stigmatization, Ethnicities. UK
- Craven, Matthew (1995). *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: A Perspective on its Development*, Clarendon Press. Oxford.

- Mukharrom, Helène Balazard, Timothy Peace, Confronting Islamophobia and its consequences in East London in a context of increased surveillance and stigmatization, Ethnicities. UK
- Nazar Hussain, Wu Xi2, Saifullah, Shumaila (2023). Islam and International Standards of Human Rights: An Analysis of Domestic Implementation of International Human Rights in Islamic Culture, Assyfa Journal of Islamic Studies. Indonsia.
- Tamyiz Mukharrom, & Abdi, Supriyanto Abdi(2023),. Harmonizing Islam and Human Rights Through the econstruction of Classical Islamic Tradition, Jurnal Hukum Keluarga dan Hukum Islam. Indonsia